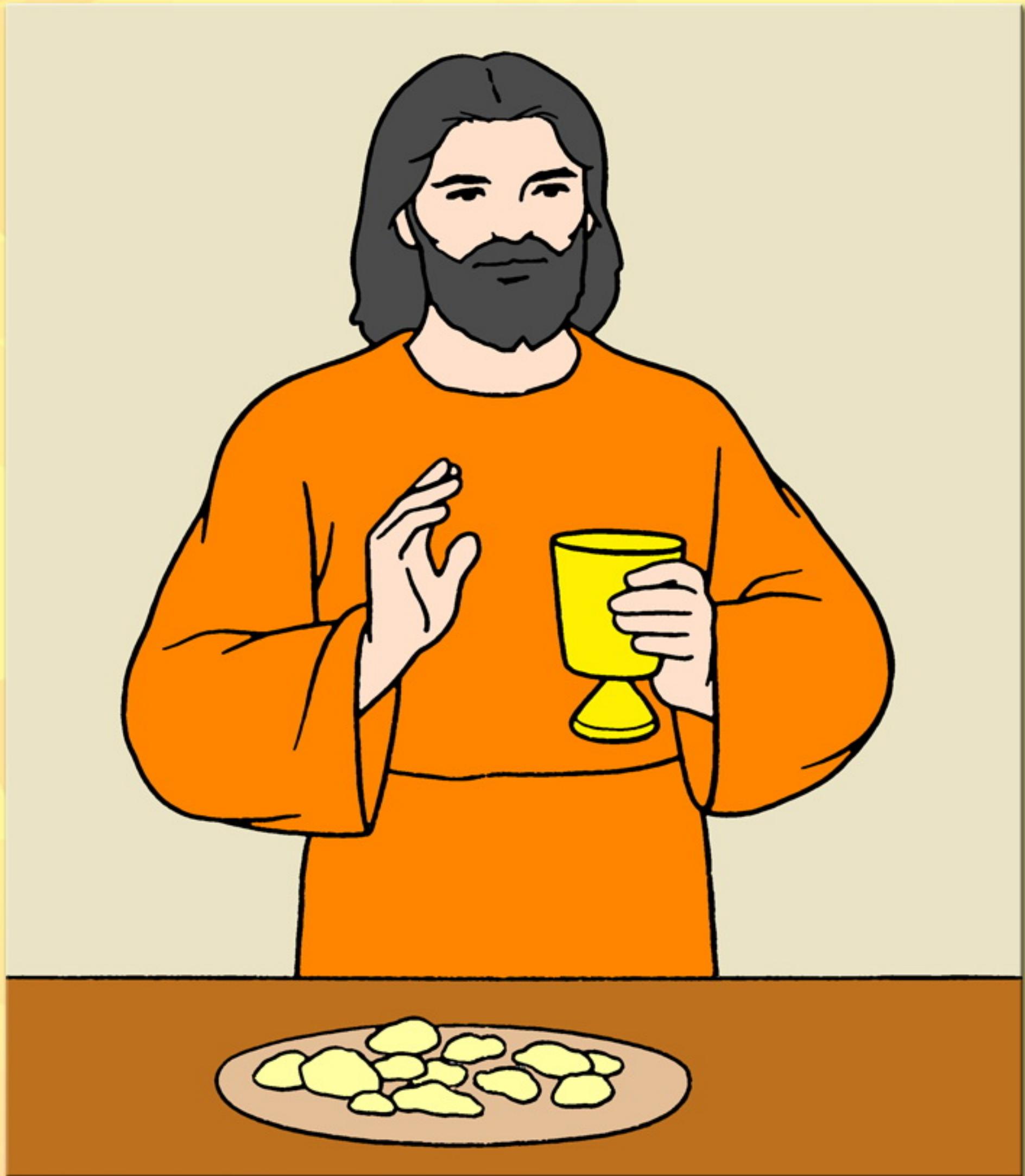


شام آخِر



عیسی در آخرین ساعات همراه پا شاگردان خود چمع شده و شروع به شستشو و خشک کردن پاهای شاگردان کرد، اما پطرس یکی از شاگردانش به او گفت که ای استاد من نمی توانم اجازه دهم که تو پاهای من را بشویی، اما عیسی در جواب به او گفت: اگر من را به عنوان مخادم خود قبول نداری دیگر بین ما کاری نیست. پس پطرس قبول کرد که عیسی پاهای او را بشوید. عیسی با این کار حواسِت که محبت کردن به دیگران را به شاگردان خود پیامورزد.



پس از شستشوی پای شاگردان عیسی نان و شراب را پرداشت و دعای پدر کت را خواند و آن را تقسیم کرده و به شاگردان داد و به آنها گفت: پگیدی د و بخورید، این است تن من و این است پدن من ...